



الگو‌واره‌های نظری حفاظت و نگهداری از خانه‌های فرهنگی - تاریخی دوره قاجار تبریز

احد نژاد ابراهیمی*^۱، فرزین حق پرست^۱، سلوی کی نژاد^۲

۱. استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه ای تی اچ زوربخ

(مسئول مکاتبات: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir)

چکیده

الگو‌واره یا پارادایم چارچوب‌های نظری فکری و فرهنگی هر گروه یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف خاص گفته می‌شود؛ در زمینه حفاظت از خانه‌های تاریخی تبریز نیازها، خواست‌ها و سلیقه‌های نظری افراد مداخله گر در زمینه حفاظت خانه‌های تاریخی تبریز موجب شده است تا در هر دوره نظام فکری متفاوت‌تری از همدیگر در جریان مداخله برای احیای خانه‌های مذکور شکل گیرد. سوال تحقیق حاضر این است: الگو‌واره‌های نظری رایج در حفاظت از خانه‌های تاریخی تبریز چه بوده است؟ برای فرض به نظر می‌رسد اتفاقات اجتماعی و طبیعی، توان اقتصادی جامعه و سلیق افراد از جمله مولفه‌های تأثیرگذار در حفاظت خانه‌های تاریخی تبریز است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عدم شناخت جایگاه ارزشی و اجتماعی خانه‌های تاریخی در زمان شروع حفاظت نوین، باعث عدم توجه به آنها گردید و چون هنوز فناوری‌های جدید جایگاه مناسبی در جامعه نداشتند شیوه زندگی تغییرات اساسی نیافته بود موجب می‌شد تا خانه جزو گونه‌های تاریخی محسوب نشود؛ بنابراین حفاظت از خانه‌های تاریخی تبریز با تأخیر چند ساله نسبت به سایر گونه‌ها با مبانی نظری متأثر از شرایط اجتماعی، سیاسی و طبیعی بوده است.

واژگان کلیدی: الگو‌واره حفاظت، خانه تاریخی، تبریز، حفاظت خانه‌های تاریخی.

Theoretical Paradigms of Conservation and Maintenance of Cultural-Historical Houses in Gajar era in Tabriz

Nejad Ebrahimi Ahad *¹, Haghparast Farzin ¹, Keynezhad Salva ²

¹Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

². PhD student in ETH-Zurich

(Corresponding author: Email: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir)

Abstract

The House is the most significant building encompassing ones whole life, so its shape and form has direct effect on lifestyle defining the characteristics of dwellers. For this reason cognition of the house concept can be a reasonable source in exploration of people's attitudes toward life in various time periods. By the time passing, developments in communications, attendance of new architectures, known as imported architecture and new technologies cause different approaches in procedure of design and construction in Iranian architecture, especially for traditional houses, which leads to a great change in house meanings and lifestyles in few decades. Nowadays, it seems that the ability of achieving proper house design and lifestyles in adaptation with current social and cultural identity is in direct relation with conservation of past cultural monuments.

The process of establishing the new conservation methods of historical monuments in Iran coincided with developments in communications appeared in mid-Qajar era-1301 Hijri shamsi. But for some reasons the conservation of the first historical houses started later in 40s decade. The initial question shaping this research was to find the reasons for this delay which happens 50 years later than other organized conservations. To achieve the answer it was needed to study the prevalent theoretical paradigms toward Iranian historical houses conservation in different time periods. The hypothesis on which the research took shape was: Lack of understanding the value and social status of historical houses, during establishment of the new attitudes toward conservation, causes failure in their maintenance. This failure means that since the new technologies did not change Iranians lifestyle, they did not count the house as their historical and cultural heritage? The research method was based on collecting quantitative data and studying restored historical houses to survey the process of establishing the historical house conservations via studying the historical written sources and comparing them with field researches done in house cases, especially the ones located in Tabriz. Providing the documents, this process leads to defining the intellectual paradigms available in each time period considering their success or failure in conservation.

Key Words: House, Conservation, Historical Monuments Value, Tabriz, Conservation of Historical Houses.

۱- مقدمه

حفاظت در ایران سابقه یکصد ساله دارد، هر چند مفهوم حفظ و نگهداری از آثار فرهنگی و مذهبی در ایران از دوره هخامنشیان در کتیبه بیستون و در دوره اسلامی بر اساس وجود اعتقادات مذهبی و سفارش‌های قرآن کریم و روایات معصومین ذکر شده است^۱ ولی حفاظت نوین هم‌زمان با تشکیل نهادهای مردمی و تصویب قوانین مرتبط در مجلس شورای ملی آغاز گردید؛ پس از آن اقدامات حفاظتی همواره مبتنی بر ارزش‌شناسی و آیین‌نامه‌های ملی و فراملی بودند.

علیرغم حفاظت از بناهای تاریخی ایران بعد از سال ۱۳۰۱ شمسی و با تشکیل انجمن آثار ملی، توجه چندانی به حفظ و نگهداری از خانه‌های تاریخی در ایران نمی‌شد دلیل این امر ثبت اولین خانه تاریخی در فهرست آثار ملی در سال ۱۳۵۳ شمسی است^۲، اولین خانه ثبت شده در فهرست آثار ملی تبریز خانه کوزه‌کنانی مشهور به خانه مشروطه است که در تاریخ هجدهم آذرماه ۱۳۵۴ با شماره ۱۱۷۱ ثبت شده است؛ مقایسه اولین اثر ثبت شده در سال ۱۳۱۰ با این اثر نشان از فاصله ۴۴ ساله است که این امر نشان از عدم توجه به حفاظت خانه‌های تاریخی در ایران و تبریز دارد. دومین خانه ثبت شده در فهرست آثار ملی در تبریز خانه امیرکبیر یا خانه امیرنظام گروسی است که در سی و یک تیرماه ۱۳۷۵ با شماره ثبت ۱۷۴۹ است و با فاصله زمانی ۲۱ ساله از اولین خانه ثبت شده انجام شد^۳، امروزه مطابق گزارش‌های ثبتی و آمار سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی خانه‌های ثبت شده نزدیک به ۷۰ خانه شناسایی شده که امکان ثبت برای آنها هنوز فراهم نشده است. از طرفی ۳۰۰ خانه تاریخی وجود دارد تقریباً ۳۰ خانه مورد مرمت و بازسازی و احیا قرار گرفته است^۴ شروع مرمت و احیای خانه‌های تاریخی تبریز با احیای خانه مشروطه به‌عنوان موزه مشروطه، خانه‌های تاریخی بهنام، قدکی و گنجه‌ای‌زاده به‌عنوان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، خانه‌های سلماسی به‌عنوان موزه سنجش، خانه امیرنظام گروسی به‌عنوان موزه قاجار، خانه میرزایی و خانه نیشابوری ها به‌عنوان مرکز فعالیت‌های قرآنی، خانه شربت اوغلی به‌عنوان مرکز ایرانشناسی، خانه دکتر اردوبادی به‌عنوان مرکز اسناد شمال غرب کشور، خانه لاله‌ای‌ها به‌عنوان بنیاد پژوهش‌های تاریخی یحیی ذکاء مابین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ شروع مناسبی برای احیای خانه‌های تاریخی تبریز است که علاوه بر احیای خانه‌های مذکور، منجر به تربیت نیروهای متخصص در زمینه‌های مختلف حفاظت خانه‌های تاریخی گردید. هدف این نوشتار ارائه دیدگاه‌ها و رویکردهای حفاظتی است که از زمان شروع مدرنیزاسیون در ایران نسبت به خانه‌های تاریخی تبریز وجود داشته است.

۲- روش تحقیق

مسئله پژوهش حاضر شناخت الگوهای نظری تأثیرگذار در حفاظت خانه‌های تاریخی قاجاریه تبریز در ۹۰ سال گذشته و از زمان تغییر نگرش‌های به‌وجود آمده بر اثر جریان مدرنیته در ایران بوده است که هم‌زمان با تغییر حکومت در دوره پهلوی به‌وجود آمد. پژوهش از نوع تحقیق‌های نظری است که با روش تفسیری-تاریخی پژوهش شده و اطلاعات لازم برای پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش‌های میدانی جمع‌آوری شده است. سوال تحقیق این بود که الگوهای نظری رایج در مرمت و احیای خانه‌های تاریخی تبریز از زمان شکل‌گیری حفاظت نوین در دوره پهلوی تا سال‌های اخیر چه بوده است؟ برای رسیدن به نتایج

به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی، خواسته‌ها و نیازهای نوع و شیوه زندگی، خواست، برنامه ریزی‌های حکومتی و حاکمیتی و توان و تجربه نیروهای متخصص حفاظت‌گر از جمله عوامل تأثیرگذار در حفاظت خانه‌های تاریخی تبریز بوده است.

۳- خانه در دوره قاجاریه

نوع نگاه به زندگی، رویه و آداب وابسته به آن در دوره قاجاریه، در مقیاس زندگی فردی در خانه و زندگی اجتماعی در شهر، تفاوتی با دوره‌های قبلی نداشته است و نمی‌توان مابین زندگی دوره قاجاریه با زندگی دوره صفوی تفاوتی احساس کرد. همین‌طور که در زمینه معماری و شهر هم نمی‌توان تفاوتی را دید. «از توصیفی که سیاحان از ریخت شهر و ساخت کالبدی آن ارائه می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که در سراسر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی، بافت شهر و سازمان فضایی آن تفاوت‌های عمده‌ای (از نظر ساختی و ماهوی) را با شهر دوره صفوی نشان نمی‌دهد» (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۲۵). موضوع مذکور مبین این واقعیت است زمانی که نگرش به زندگی و شیوه کالبد بخشی نگرش، تغییری نداشته است پس شکل و فرم ظرف زندگی نیز نمی‌توانسته است تغییری داشته باشد. در بررسی خانه‌های دوره قاجاریه مشاهده می‌شود که روابط فضایی موجود در خانه‌ها تفاوت‌های اساسی با دوره‌های قبل‌تر ندارد و روابط فضایی در مقایسه با دوره‌های قبل یکسان و هم‌شکل است، اما در دوره قاجاریه رشد سفرهای خارجی از جمله به روسیه و اروپا از طرف افراد متمول و شاهزادگان و درباریان قاجار باعث ظهور پدیده‌ای در فضاهای مسکونی می‌گردد که آنرا برخی‌ها معماری کارت پستالی نامیدند (اورکاد و عدل، ۱۳۷۵). به عبارت دیگر شیوه جدید در پوسته برخی فضاهای شهری و فضاهای مسکونی به وجود آمد که در آن فضاهای داخلی همانند گذشته شکل می‌گرفت، اما نماها، جداره‌ها و موتیف‌های تزئینی در خانه‌ها گرته برداری از تزئینات و جداره‌های موجود در معماری غرب بود، ظهور تزئینات طبیعی و واقعی (رئال)، تصویرسازی انسانی در مقیاس وسیع، شکل‌های هلالی و سنتوری موجود در نما به همراه ایوان‌های کشیده و طولانی، بخشی از واردات معماری مسکونی در دوره قاجاریه بوده است. «معماری دوره قاجار، گذشته از مبحث فضا و ترکیب‌های حجمی، به خصوص در خانه‌های این دوره که از تعدد و کیفیت فضایی با غنایی برخوردار است، از یک طرف پذیرش و تأثیرپذیری‌اش از معماری غرب تنها در فرم‌ها و اشکال ظاهری است بدون آنکه از تکنولوژی ساخت و عواملی که در قوام و پایداری ساختمان موثر هستند، استفاده نماید و از طرف دیگر استحکام و دقت در ساخت را که میراث سنتی گذشتگان است از دست می‌دهد و تنها به ظرافت‌های ظاهری تکیه می‌کند» (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۴). مثال بارز این تأثیرپذیری از معماری غرب را می‌توان در معماری کاخ باغچه جوق ماکو به عینه و آشکار دید که در آن جدایی از تأثیرپذیری شکل و فرم معماری در تزئینات به کار رفته در فضاهای داخلی، وجود دو سفره ایرانی و فرنگی که به صورت نقاشی روی سقف یکی از تالارها ترسیم شده است و وجود دو نگرش بومی و فرابومی در کنار یکدیگر را می‌توان مشاهده کرد و همین‌طور وجود پیکره‌های کامل انسانی در درون خانه‌های این دوره نیز مؤید برداشت و الگو برداری از غرب بدون توجه به فرهنگ رایج در جامعه ایرانی بوده است.

۴- خانه‌های تاریخی تبریز در دوره قاجاریه

تبریز در سال ۱۱۹۳ هجری قمری بر اثر زلزله ویران گردید و بعد از آن دوباره بازسازی شد، بنابراین بافت تاریخی تبریز به غیر از چند بنای شاخص همچون مسجد تاج‌الدین علی‌شاه و مسجد کبود در دوره قاجاریه ساخته شده است «براساس متون تاریخی در آن زلزله شهر به طور کامل تخریب شد» (نژاد ابراهیمی ۱۳۹۲: ۱۰۷). فضاهای مسکونی از جمله گونه‌هایی هستند که در این دوره و بعد از زلزله ساخته شده‌اند و تقریباً سندی بر اینکه خانه‌های متعلق به پیش از دوره قاجاریه است وجود ندارد و موارد ذکر شده فرضیات پژوهشگران است^۵ تبریز به واسطه نزدیکی به مرزهای عثمانی و روسیه تزاری و ارتباطات زیادی که تجار، بازرگانان و سیاستمداران با این کشورها داشته‌اند تأثیرات زیادی از زمینه ساخت و سازهای فضای مسکونی از این مراکز داشته است که با مطالعه شکل‌ها و فرم‌های خانه‌ها این موضوع کاملاً آشکار می‌شود در این طور می‌توان خانه بهنام یا قدکی را به طور یک نمونه از خانه‌ها که دارای ایوان‌های کشیده در نما هستند را با خانه امیرنظام گروسی مقایسه کرد. در خانه امیرنظام وجود فرم خورشیدی با شکل هرمی در نمای اصلی خانه‌های تبریز وجود ارتباط و اقتباس از معماری غرب را نشان می‌دهد که نمادی الهام گرفته از معماری کلاسیک یونان و نئو کلاسیک غرب است. این شکل را می‌توان در خانه ساوجبلاغی، علوی و کلانتری نیز مشاهده نمود (تصویر ۱). «در دو نمونه یاد شده [خانه‌های ساوجبلاغی و امیر نظام] جهت تأکید بر ایوان یک سنتوری در وسط آن قرار گرفته است که عنصری وارداتی است» (کی نژاد- شیرازی ۱۳۸۹: ۳۲). در حالیکه پیش از این و در اوایل قاجار شکل نمای خانه‌های تبریز ایوان‌های کشیده و مرتفع همانند خانه بهنام تبریز بوده است. «شکل ایوان در این دوره [اوایل دوره قاجاریه] مستطیل با کشیدگی طولی در جهت عمود بر محور اصلی است» (همان، ۲۶). تغییرات مذکور نشان دهنده، تغییرات صوری و ظاهری در شکل و فرم خانه‌های تبریز است بدون اینکه در ساختار اصلی پلان تغییراتی به وجود آمده باشد؛ پله‌های دسترسی به طبقات در خانه بهنام و گنجه‌ای زاده و نیکدل در گوشه‌های ایوان و در نما بیرون قرار دارند و در خانه مشروطه در مرکز و میانه خانه در زیر کلاه فرنگی، در خانه صدقیانی در دهلیز و در خانه سلماسی زیر سایبان بیرون از حجم قرار می‌گیرد.



تصویر ۱. خانه امیر نظام گروسی با کاربری موزه قاجار

۵- خانه‌های تاریخی تبریز در دوره پهلوی

با تغییر حکومت از دوره قاجاریه به دوره پهلوی، نگرش حاکمیت به فرهنگ و مذهب نیز تغییر کرد. دوره قاجاریه دوره‌ای با نگرش سنتی بر پایه فرامین مذهبی منبعث از اسلام بود. «در اوایل دوره قاجار، هدف دولت به لحاظ نظری تأمین چهارچوب یک زندگی مناسب برای مردم و مطابق با شریعت بود» (لمبتون، ۱۳۷۵: ۵۹). هر چند در برخی از قشرهای اجتماعی تأثیر سنت در زندگی آنها کم رنگ شده بود ولی فرهنگ غالب جامعه، همان شیوه و نگرش سنتی رایج بود که از جانب حاکمان دوره پهلوی گاه به چالش کشیده می‌شد و تلاش می‌گردید تا شیوه زندگی مردم بر اساس الگوهای جدید تعریفی شکل گیرد. «رضا شاه و دستگاهش بر این عزم بودند که علاوه بر نفی گذشته اخیر، قاجار، نوعی میراث باستانی قبل از اسلام را با آینده‌ای مبتنی بر الگوی اروپایی پیوند دهند، آمیزه‌ای از ملی‌گرایی کهن فرهنگی و قومی و اشتیاق برای هر چیز تازه و خارجی» (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). این اقدامات باعث تغییرات اساسی در شکل زندگی مردم و به تبع آن محل زندگی آنها یعنی خانه‌ها می‌گردید.

در این بین تأسیس دانشکده هنرهای زیبا توسط گذار و آموزش معماران به سبک و شیوه جدید منجر به طراحی فضاهاى شهری، عمومی و مسکونی با سبک و سیاق جدید و عمدتاً وارداتی گردید و کم‌کم زندگی مردم به سمت خانه‌های جدید با الگوهای جدید سوق پیدا کرد. «در موقعی که تجارب طرفداران اسلوب قدیم (باستان) متوقف می‌شد، چند آرشیوتکت ایرانی و خارجی که به تهران وارد شدند منظره ساختمان‌هایی را که از اسلوب قدیم تقلید شده بود دیده و مصمم شدند که رابطه بین گذشته و حال را در این قسمت قطع کرده و به فکر آینده‌ای که رهنمای آن افکار جدید معماری باشد بیفتند» (پاکدامن، ۱۳۶۲: ۶). انقطاع اسلوب‌های سنتی و ایجاد شیوه‌های جدید زندگی موجب شد تا پس از گذشت چند دهه از شروع دوره پهلوی، سبک و روش زندگی مردم نیز دچار تغییرات اساسی گردد و خانه‌ای که نسل اندر نسل در آن زندگی می‌شد به فراموشی سپرده شود و خانه‌های جدید بر اساس اسلوب‌های وارداتی ساخته و خانه‌های اصیل ایرانی، قید تاریخی و فرهنگی به خود گیرند.

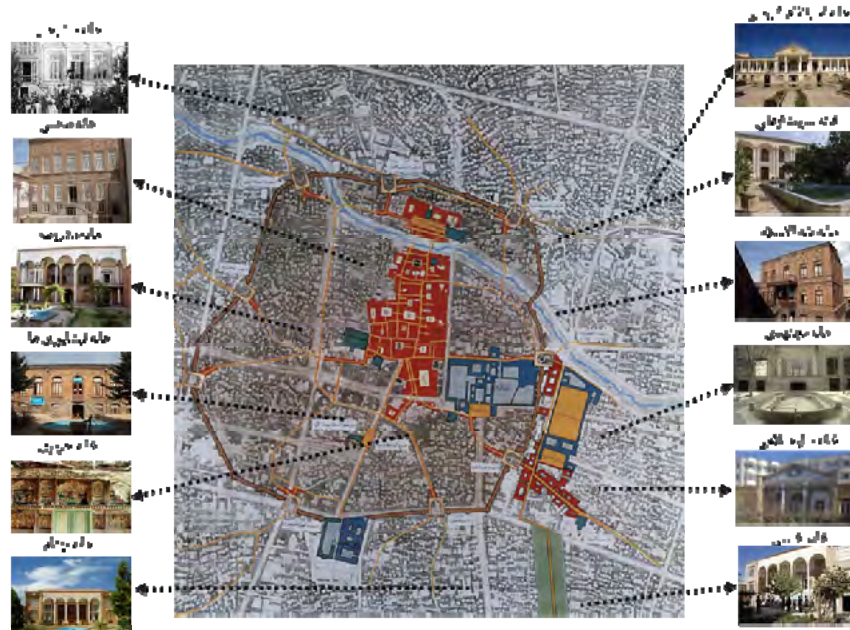
خانه‌های مسکونی تبریز نیز همانند جامعه ایران دچار تغییر و تحولات شدیدی گردید، تغییر شیوه زندگی و تبلیغات حکومت باعث شد تا خواست مردم از خانه تغییر یابد «در خانه‌های این دوره، جبهه شمال در اولویت اول و جبهه غرب و شرق در اولویت دوم و سوم است. در این خانه‌ها از تعدد جبهه‌های ساخته شده کاسته شده و بیشتر آنها در جبهه شمالی (خانه لاله‌ای و صحتی) یا در دو جبهه (خانه‌های رستگار و نیشابوری) ساخته شدند. همچنین خانه‌هایی به صورت کلاه فرنگی که از هر چهار طرف دارای نمای بیرونی بودند، رواج پیدا کرد (کی‌نژاد و شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۲). نمای خانه‌ها دچار تغییرات بنیادی می‌گردد پنجره‌های اورسی با شیشه‌های رنگی از نمای خانه‌ها حذف می‌گردد و با پنجره‌های مستطیلی بدون تزئین و ساده جایگزین می‌شوند دهلیز و تالار که در دوره قاجاریه الگوی قالب بود جای خود را به ورودی‌های متفاوت می‌دهند و دیگر از هشتی‌های فاخر دوره قبل خبری نیست و در خانه‌های مجتهدی و گنجه‌ای‌زاده تالارها که دارای پوشش با ارتفاع بلند بودند به دو طبقه تقسیم می‌شوند که موجب می‌گردد ارتفاع سقف‌ها کوتاه شوند.

جدول ۱. تطبیق ویژگی‌های خانه دوره قاجاریه و پهلوی تبریز

خانه‌های دوره قاجاریه تبریز	خانه‌های دوره پهلوی تبریز	
موقعیت ساخت در سایت پلان	خانه‌های این دوره عمدتاً در بخش‌های میانی و حد شمال بین حیاط اندرونی و بیرونی قرار داشتند و جبهه‌های غربی و شرقی در اولویت و درجه اهمیت و پهن تر بودند.	موقعیت ساخت در سایت پلان
جهت گیری	عمدتاً جبهه‌های آسی رو به جنوب بوده است تا امکان نورگیری مناسب بوجود آید.	جهت گیری
همسایگی	همسایگی خانه‌های این دوره حتماً دارای همسایه باغ شادمانی و هر مؤلفی معبر عمومی بوده است.	همسایگی
سردرب ورودی	سردرب‌های این دوره بسیار فاخر و مصالح آجری و گچی و در مؤلفی گنبدی بودند.	سردرب ورودی
هشتی	تقریباً اکثر خانه‌های این دوره دارای هشتی فاخر با استفاده از کاشی‌های و فریبستند تر هستند بودند.	هشتی
پله‌های دسترسی به درون خانه	دارای تزئینات پله‌های مختلف پله‌ها و فضای درون خانه بودند که گنبدی معماری گچی نیز در آنها دیده می‌شود.	پله‌های دسترسی به درون خانه
باغچه بندی و کرت بندی	باغچه بندی‌ها و کرت بندی‌ها دارای تقویم هندسی یکسانی با حیاط‌های گنبدی و با شکلی‌های متفاوت ساخته می‌شوند.	باغچه بندی و کرت بندی
ایوان	خانه‌ها دارای ایوان‌های گنبدی بیرونی در نما بودند که بعضاً این ایوانها با جهت منطبق با زمین می‌شدند.	ایوان
حیاط	حیاط‌ها در دو بخش اندرونی و بیرونی وجود داشت و حیاط بیرونی نسبت به اندرونی فاخرتر بود.	حیاط
روزن‌های نورگیری	پنجره‌ها عمدتاً از پنجره‌های آبرسی با شیشه‌های رنگی و گره‌های هندسی و اسلیمی بودند.	روزن‌های نورگیری
فضاهای زندگی و مهمان	فدایی مهمان در مرکز و اتاق‌های مهمان در طرفین آن نام‌های ۳ درمی یا کوشک‌ها شکل می‌گرفتند.	فضاهای زندگی و مهمان

۶- حفاظت از خانه‌های تاریخی

هر جامعه‌ای برای بقا نیازمند نشانه‌های فرهنگی است، این نشانه‌ها همانند حافظه انسان عمل می‌کنند. همانگونه که انسان بدون داشتن حافظه قادر به ادامه حیات نیست، جامعه نیز بدون فرهنگ هرگز نمی‌تواند به حیات اجتماعی و انسانی خود ادامه دهد. فرهنگ هر جامعه متشکل از نشانه‌هایی است که این نشانه‌ها نشان‌دهنده الگو واره‌های فکری دوره‌های مختلف زندگی و رشد و تکوین آن است. یکی از نشانه‌های بارز فرهنگی هر جامعه، معماری و نهاده‌ها و گونه‌های وابسته بدان است که نشانگر تجسم کالبدی فرهنگ رایج در جامعه است. به عبارت دیگر سیر معماری انسانی نشانگر سیر رشد یا نزول یک جامعه است. خانه‌های فرهنگی - تاریخی یکی از نشانه‌ها و نمادهای بارز فرهنگی در بین سایر آثار تاریخی فرهنگی هستند و از آنجایی که خانه منعکس کننده مستقیم و بی واسطه شکل و نوع زندگی انسان‌ها است، حفاظت از آن برای نسل‌ها امری لازم و ضروری است. بررسی روند شکل‌گیری حفاظت خانه ایرانی در تطابق زمانی با حفاظت سایر گونه‌های معماری نشانگر تأخیری ۵۰ ساله است. بخشی از جامعه اقدام به ثبت و ضبط خانه‌های ایرانی در فهرست آثار ملی و شروع به حفاظت آنها بکنند؛ اما حفاظت از خانه‌ها در ایران دارای مراحل مختلفی بوده است که در ادامه اختصاراً به شیوه‌های برخورد با این خانه‌ها اشاره می‌گردد. به‌طور اجمالی برای روند حفاظت از خانه‌های تاریخی تا پیش از انقلاب اسلامی چهار مرحله را می‌توان ذکر کرد:



تصویر ۲. موقعیت خانه‌های مورد مطالعه نسبت به حصار نجفقلی خان و وضع موجود شهر تبریز

۶-۱- مرحله اول: الحاقات الگوهای غربی به شیوه، شکل و فرم سنتی

با وجود گسست در معماری ایران در شروع دوره پهلوی، روند تغییر فضای مسکونی موافق و همسو با سیاست‌های هنجار کن این دوره نبوده است و علی‌رغم ورود الگوها و فرم‌های جدید وارداتی، مردم به استفاده از الگوهای سنتی و اصیل اهتمام داشتند؛ ولی این اهتمام کاملاً همسو با رویه قاجاریه نبوده و دارای تفاوت‌هایی بود؛ در این مرحله رویکرد دوگانه نسبت به استفاده از خانه‌های تاریخی مشاهده می‌شود؛ به طور مثال در این دوره اکثر پنجره‌های اورسی درشت مقیاس دوره قاجاریه که حفاظت و نگهداری از آنها مشکلات مالی و اجرایی داشت، از نمای خانه‌های تاریخی حذف و با پنجره‌های مستطیلی شکل و کوچکتر جایگزین گردید. البته این مسئله تنها در مشکلات تکنیکی و اقتصادی نمی‌توان جستجو کرد، بلکه تأثیرات الگوهای جدید معماری در قالب مدهای معماری رایج در شهر نیز موثر بوده‌اند. برای نمونه پنجره‌های خانه تاریخی بهنام و علوی واقع در شهر تبریز از جمله نمونه خانه‌های بودند که شامل این تغییرات شده بودند؛ همچنین در این دوره تالارهای اورسی که با ارتفاع بلند در دوره قاجاریه ساخته شده بودند با الحاق پله در طرفین به دو طبقه تقسیم می‌شدند که از آن جمله می‌توان به خانه تاریخی گنجه‌ای‌زاده و مجتهدی‌ها در تبریز اشاره کرد «پنجره ارسی از این فضاها [تالار ارسی] حذف گردیده و طنپی‌ها دارای ۳ پنجره مجزا شده» (کی نژاد ۱۳۸۹: ۳۳). الحاق الگوهای وارداتی با شکل و روش ساخت نوین نیز از دیگر تغییراتی است که در برخی از خانه‌های منصوب به آن دوره از جمله در جبهه غربی خانه گنجه‌ای‌زاده دیده می‌شود. حذف ایوان‌های کشیده دوره قاجاریه نیز از تغییراتی بود که نمونه آن را می‌توان در خانه بهنام، خانه صدقیانی و مجتهدی مشاهده نمود (تصویر ۳)



تصویر ۳. تصویر نمای خانه بهنام که در آن پنجره‌های اوری حذف و به پنجره کوچکتر تبدیل شده است (آرشیو دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)

۶-۲- مرحله دوم: حفاظت بدون توجه به ساختار اصلی بنا

خانه جز مایملکی از دارایی‌های ایرانیان محسوب می‌گردد که در طی زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. در این بین مسائلی همچون اقتصاد، نگهداری از میراث خانوادگی به‌عنوان یادگار گذشتگان، مالک خانه تاریخی را بر آن می‌داشت تا به نحو ممکن از آن مراقبت و حفاظت کنند؛ اما در این بین نکته‌ی حائز اهمیت که نباید مورد غفلت واقع شود تأثیر گذر زمان و فرسایش و فرسودگی اجتناب‌ناپذیر بر کالبد بنا است. نیاز و در برخی موارد خواست ساکنان باعث می‌گردید تا در مواردی که هزینه حفاظت و نگهداری فرسودگی‌ها کمتر از هزینه ساخت مجدد بود، مالکان به سبب وجه اقتصادی ترجیح بر حفظ بنا داشته اما به مرور با کاهش هزینه ساخت بنا در قیاس با نگهداری کالبد قدیم ساکنین دست به تخریب و بازسازی بخش‌هایی از بنا می‌زدند. بسیاری از این بازسازی بدون توجه به ساختار اصلی بنا بود به گونه‌ای که گاه فقط زیرزمین بنای قدیمی که به جهت حضور در دل خاک و دارا بودن ساختمایه‌های بادوام توانسته بود از آسیب‌های فرسایشی و لرزه‌ای مصون‌تر باقی بماند، حفظ می‌شد و سازه جدید با استفاده از مصالح بنایی یا به‌صورت اسکلتی روی آن احداث می‌گردید. به عبارت دیگر در بازسازی کالبد قدیم هدف، امروزی‌سازی خانه قلمداد می‌شد تا حفظ میراث کهن و در نهایت بنای ساخته شده کمترین تشابه به اصل اثر را در خود داشت. اوج این دخل و تصرف در نمونه خانه‌هایی که در آن با حفظ زیرزمین نسبت به احداث بنای جدید اقدام می‌شد، در معماری‌های شکل گرفته در دهه سی خورشیدی می‌توان ردیابی کرد. خانه گوهریون واقع در ضلع جنوبی محوطه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز و نمای پهلوی خانه صدقیانی در محله مقصودیه تبریز از جمله این نمونه‌ها است (تصاویر ۴ و ۵).



تصاویر ۴ و ۵. تصویری از زیر زمین و طبقات خانه گوهریون که در آن بدون توجه به ساختار ارزشمند، طبقات تخریب و بجای آن بنایی با ساختار جدید ساخته شده است.

۳-۶ - مرحله سوم: استفاده از عناصر خانه‌های شاخص در دیگر بناهای شاخص

در تحول نگرش به خانه‌های تاریخی به عنوان آثار ارزشمند در برهه‌ای از زمان، شیوه بهره‌گیری از اجزای با ارزش خانه‌ها به ویژه خانه‌هایی که به علل گوناگون در حال تخریب بودند، برای استفاده در دیگر بناهای ارزشی مورد توجه قرار گرفت. از مهم‌ترین نمونه‌هایی که در آن از این شیوه بهره گرفته شده است می‌توان به عمارت حوضخانه کاخ نیاوران اشاره کرد که در طی سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ به دستور فرح پهلوی مورد بازسازی قرار گرفت و در آن از سرستون‌ها و سقف‌های منقوش مربوط به قرن ۱۲ هجری قمری متعلق به خانه‌های قدیمی شیراز و اصفهان استفاده گردید. استفاده از ارسی‌ها، کاشیکاری‌ها و درب‌های قدیمی خانه‌های در حال تخریب در دیگر بناهایی که مورد بازسازی قرار می‌گیرند از متداول‌ترین کارهای انجام یافته پیرو این شیوه است که از آن جمله می‌توان به ارسی موزه آذربایجان^۷ و همچنین ارسی‌های خانه تاریخی بهنام^۸ اشاره کرد. در بازسازی حمام نوبر تبریز هم که امروزه کاربری رستوران به خود گرفته است از کاشیکاری‌های خانه فرشید استفاده شده است؛ در این موارد خانه‌های اصلی و تاریخی تخریب شده‌اند ولی اجزای آنها با استفاده مجدد در مکان و بنای دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

۴-۶ - مرحله چهارم: آغاز ثبت و حفاظت نوین از آثار

مطابق فهرست آثار ثبت شده ایران تا زمان تأسیس سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران در ۳۰ آبان ماه ۱۳۴۴.ش توسط وزارت فرهنگ و هنر، خانه‌های تاریخی نقشی در آثار ملی مورد توجه نداشته‌اند. نخستین خانه‌ای که به شیوه‌ی نوین مورد توجه قرار گرفت مدرسه و خانه حسینیان یزد است که به سال ۱۳۴۶ ثبت ملی گردید، دومین خانه از مجموعه خانه‌های تاریخی در سال ۱۳۵۳ شمسی با ثبت خانه مارتاپیترز اصفهان بود پس از آن نگرش به خانه‌ها در قالب آثار ارزشمند ملی شکل یافت؛ تا پایان حکومت پهلوی ۱۶۳۳ اثر به ثبت ملی رسید که از این تعداد، ۱۰۴ فقره به خانه‌های تاریخی اختصاص داشت. ۶۴ باب از این خانه‌ها در شهر اصفهان قرار دارند و تنها خانه‌ی تاریخی ثبت شده در تبریز خانه‌ی مشروطه است؛ روند ثبت آثار به دلیل تغییر و تحولات سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ ش متوقف شد و از آن تاریخ تا

امروز قریب به ۲۵ هزار اثر دیگر به فهرست آثار ملی ثبت شده افزوده شد؛ از این تعداد سهم خانه‌های تاریخی ثبت شده شهر تبریز ۶۲ عدد تا تاریخ ۱۳۹۰ است (جدول ۲).

جدول ۲. تطبیق روند ثبت آثار ملی با ثبت خانه‌های فرهنگی تاریخی تبریز

ردیف	دوره تاریخی	تعداد کل آثار ثبتی	تعداد آثار ثبتی در بازه زمانی	تعداد خانه های ثبت شده در آثار ملی	تعداد خانه های ثبت تبریز
۱	۱۳۱۰-۱۳۴۶	۷۷۷	۷۷۷	۱	۰
۲	۱۳۴۷-۱۳۵۸	۱۶۳۱	۸۵۴	۱۰۴	۱
۳	۱۳۵۹-۱۳۷۶	۱۹۷۱	۳۴۰	۵۱	۵
۴	۱۳۷۷-۱۳۸۴	۱۵۳۸۵	۱۳۴۱۴	۱۷۴۳	۴۹
۵	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۲۶۶۶۷	۱۱۲۸۲	۶۵۹	۷
	مجموع	۲۶۶۶۷	۲۶۶۶۷	۲۵۵۸	۶۲

۷- دوره جمهوری اسلامی

شکل‌گیری انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی ایران و عراق باعث گردید تا حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی از اولویت اصلی، سیاست‌گذاران فرهنگی ایران نباشد و مباحث مربوط به حفاظت و نگهداری از آثار تاریخی تا حدود دو دهه بعد از ظهور انقلاب و پایان دوران سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، به صورت جدی پیگیری نگردد. اما با آغاز دهه سوم انقلاب، توجه به مسائل فرهنگی و حفاظت از نشانه‌های فرهنگی جامعه وارد مرحله نوینی گردید. رشد ثبت آثار تاریخی و ایجاد ردیف‌های بودجه‌ای متعدد برای حفاظت از آثار تاریخی، گواهی روشن بر این ادعا است. در این میان خانه‌های تاریخی نقش مهم و اساسی در فرآیند برنامه‌ریزی حفاظت داشت که البته خود این توجه در ادامه، مولد مشکلات ثانوی گردید. حفاظت از خانه‌های فرهنگی - تاریخی در دوران انقلاب اسلامی را در هفت مرحله می‌توان دسته بندی نمود:

۷-۱- مرحله اول: سردرگمی در کاربری بخشی به بناهای حفاظت شده

شروع روند ثبت خانه‌های تاریخی با خانه‌های دوره صفوی اصفهان بود و تعداد خانه‌های ثبت شده در فهرست آثار ملی تبریز تا قبل از انقلاب تنها یک خانه بوده است^۹. بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۵ هیچ خانه‌ای در تبریز به ثبت نرسیده بود ولی در بازه زمانی ۱۰ ساله از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۴ تعداد ۵۰ خانه تاریخی در تبریز به ثبت رسید^{۱۰}. این موضوع موجب گردید تا مشکل دیگری برای خانه‌های ثبت شده به وجود آید و آن سردرگمی در خصوص کاربری فضاها و نحوه ی استفاده از خانه‌های حفاظت شده با توجه به تغییر رویکرد زندگی امروزی بود. اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسید این خانه‌ها می‌توانند به‌عنوان نمادهای شهری ارزشمند تاریخی حتی در قالب خانه - موزه‌های صرف مطرح شوند^{۱۱}، اما گذر زمان و گسترش تعداد خانه‌ها لزوم توجه به کاربری بخشی جهت احیای فضا و زنده نگه داشتن آن بیش از پیش نیاز بود و رویکردهای شکل گرفته در تغییر کاربری این خانه‌ها گام‌های بعدی شکل‌گیری حفاظت خانه‌های تاریخی را شکل می‌دادند؛ ثبت خانه‌های امیرنظام گروسی (شماره ثبت ۱۷۴۹ در سال ۱۳۷۵)، بهنام، گنج‌های زاده و قدکی (شماره ثبت ۱۸۵۰ در سال

(۱۳۷۶)، خانه سلماسی (۱۸۶۲)، خانه حریری (با شماره ثبت ۲۲۴۲)، خانه دکتر صحتی (با شماره ثبت ۲۳۳۶ در سال ۱۳۷۷)، خانه اردبادی (۲۴۹۹ در سال ۱۳۷۸)، خانه رستگار (شماره ثبت ۲۵۰۳ در سال ۱۳۷۸)، خانه حیدرزاده (شماره ثبت ۲۵۲۴ در سال ۱۳۷۸)، خانه ساوجبلاغی (شماره ثبت ۲۷۰۱ در سال ۱۳۷۹)، خانه گنجعلی‌زاده (شماره ثبت ۲۷۰۲ در سال ۱۳۷۹)، خانه‌ای سرخه‌ای (شماره ثبت ۲۷۷۹ در سال ۱۳۷۹)، خانه لاله‌ای‌ها شماره ثبت ۲۹۱۹ در سال ۱۳۷۹)، خانه بلورچیان (شماره ثبت ۳۱۱۳ در سال ۱۳۷۹)، خانه کمپانی (شماره ثبت ۳۲۲۲ در سال ۱۳۷۹) مابین سال نشان می‌دهد فرآیند ارزش‌گذاری خانه‌های تاریخی با تغییراتی همراه بود و در محدوده زمانی ۵ سال، ۱۶ باب خانه تاریخی در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. این موضوع سیاست‌گذاران حوزه میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی را با مشکلاتی همراه می‌کرد و آن چگونگی حفاظت و نگهداری از آنها بود، بخشی از این مشکلات به دلیل نبود تجارب قبلی و نیروی متخصص در زمینه حفاظت و احیای خانه‌های تاریخی بوده است؛ ولی این موضوع با شکل‌گیری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی با تغییر کاربری ۳ باب از خانه‌های مذکور^{۱۲}، وارد مرحله متفاوتی گردید که احیای این خانه‌ها با تغییر کاربری با هدف بهره‌برداری فرهنگی بوده است.

۷-۲- مرحله دوم: حفاظت با رویکرد کاربری فرهنگی

نخستین و سهل‌الوصول‌ترین احیای خانه‌های تاریخی مرمت شده، اعطای کاربری موزه به آنها بود؛ به مرور با قرار دهی اشیاء، گاه بدل‌سازی اشیای کهن جهت بازدید، به فراخور مناسبت ساخت و موقعیت قرارگیری خانه جهت بازدید به این خانه‌ها، عنوان موزه اضافه شده و خانه‌ها تبدیل به موزه‌ی شهری شدند. از جمله این نمونه‌ها در خانه‌های تبریز می‌توان به خانه میرزا مهدی کوزه‌کنانی (موزه مشروطه)، خانه امیرنظام گروسی (موزه ی قاجار)، خانه سلماسی (موزه ی سنجش)، خانه صحتی (موزه علم و کتل)، خانه موزه شهریار اشاره کرد. با زیاد شدن کاربری موزه، در سطح نیاز شهری توجه به دیگر کاربری‌های فرهنگی معطوف گردید از عمده‌ترین حرکت‌های انجام یافته در این جهت می‌توان به تلفیق خانه‌های تاریخی بهنام، قدکی، گنج‌ای‌زاده و صدقیانی واقع در محله مقصودیه تبریز و تغییر کاربری آن‌ها به دانشکده معماری و شهرسازی بود. مشابه این رویکرد در تأسیس دانشکده معماری دانشگاه یزد در قالب خانه‌های تاریخی رسولیان و مرتاض انجام یافته است. تبدیل خانه لاله‌ای به دفتر پژوهش‌های تاریخی و فرهنگی یحیی ذکاء، خانه اردوبادی به مرکز اسناد ملی شمال غرب کشور، خانه میرزایی و نیشابوری‌ها به‌عنوان دارالقرآن نیز از دیگر فعالیت‌ها در تغییر کاربری و حفاظت خانه‌های تاریخی با رویکرد فرهنگی در شهر تبریز است.

۷-۳- مرحله سوم: حفاظت برای کاربری مسکونی

تعدادی هر چند محدود از خانه‌های تاریخی تبریز با تشویق سیاست‌گذاران فرهنگی شهر تبریز توسط افراد حقیقی مابین سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۴ خریداری گردید و پس از مرمت کامل آنها که با مساعدت و همکاری سازمان میراث فرهنگی برای استفاده مجدد به‌عنوان فضای زندگی مورد بهره‌برداری قرار گرفت از جمله این خانه‌ها می‌توان به خانه بلورچیان و خانه ختایی در کوچه صدر، خانه ساوجبلاغی در کهنه خیابان، خانه نصیرزاده در کوی سرخاب اشاره نمود؛ بعدها با تغییر نگرش در مسئولین میراث فرهنگی این کار تداوم نیافت.

۷-۴- مرحله چهارم: حفاظت با رویکرد کاربری اقتصادی

حفاظت با توجه به کاربری‌هایی که امکان بهره‌برداری اقتصادی از بنا را به مالکین آن می‌داد به سبب ارزش مادی خود همواره مورد توجه بوده است، اما مهمترین گام برداشته شده در این راستا را می‌توان شکل‌گیری طرح گردشگری پردیسان در قالب تبصره ۳۶ قانون بودجه سال ۱۳۷۶ و در تداوم تشکیل صندوق احیا، مجری احیا و بهره‌برداری از اماکن فرهنگی - تاریخی در ایران دانست^{۱۳}، بر این اساس بناها با قدمت تاریخی می‌توانستند به کاربری‌های گوناگون مرتبط با صنعت گردشگری از جمله هتل و مراکز اقامتی، مراکز اطلاعاتی و خدماتی اختصاص داده شوند. از جمله فعالیت‌های شاخص صورت گرفته بر پایه طرح پردیسان می‌توان به تأسیس صندوق احیا و بهره‌برداری تاریخی و فرهنگی اشاره کرد که پیرو آن بیش از صد و چهل بنای تاریخی در محورهای اصلی ارتباطی ایران مورد مرمت و بازسازی جهت تغییر کاربری قرار گرفت. در بخش خانه‌های تاریخی نیز تبدیل کاربری خانه زرگر یزدی که دارنده جایزه یونسکو است، خانه داد و خانه _ باغ مشیرالممالک در یزد، خانه عامری‌ها، منوچهری، احسان و نقلی در کاشان، خانه بخردی در اصفهان، خانه آرشام در کرمان، خانه باقری‌ها در گرگان و خانه آل داوود در گرمه موسوم به آتشونی به اقامتگاه برای مسافران و گردشگران از فعالیت‌های انجام یافته در حفاظت با رویکرد اقتصادی است. در شهر تبریز نیز اگرچه خانه‌های تاریخی در قالب اقامتگاه دیده نشده‌اند اما در راستای بهره‌برداری اقتصادی از خانه‌های تبریز نیز می‌توان به حفاظت و مرمت خانه حیدر زاده و تغییر کاربری آن به عنوان مرکز اطلاع رسانی گردشگری استان آذربایجان شرقی اشاره داشت.

۷-۵- مرحله پنجم: حفاظت درشت مقیاس شهری

پس از گذار از ثبت تک بناهای شاخص و خانه‌های تاریخی در قالب رویکرد کاربری بخشی مسکونی، فرهنگی و اقتصادی نوبت به حفاظت در مقیاس شهری است. اگرچه در خصوص ثبت ملی بلوک‌های شهری اقداماتی انجام نگرفته است اما می‌توان به نمونه دانشکده معماری و شهرسازی اشاره کرد که مشتمل بر هفت خانه تاریخی بزرگ با متراژ ۲۱ هزار متر مربع است که بخشی از بلوک شهری مقصودیه را شامل می‌شود

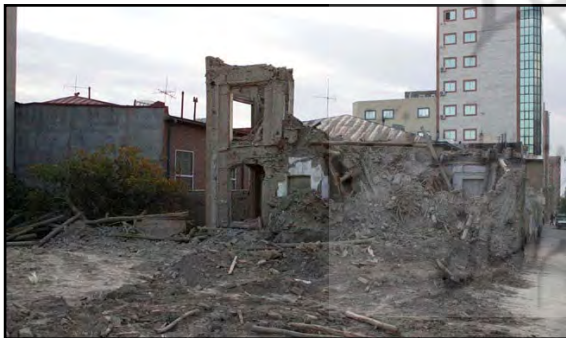
(تصویر ۶). از دیگر نمونه‌های مشابه می‌توان به مجموعه شمسیه یزد، مجموعه دانشکده معماری یزد مشتمل بر خانه‌های رسولیان و مرتاض و مجموعه خانه‌های کاشان نیز اشاره کرد.



تصویر ۶. بلوک شهری مقصودیه _ دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز - حفاظت از خانه‌های تاریخی در این بلوک در مقیاس شهری انجام شده است.

۶-۷- مرحله ششم: خروج از فهرست آثار ملی ثبت شده و تخریب خانه‌های تاریخی فرهنگی

با گذر زمان و تعدد آثار ملی ثبت شده به ویژه خانه‌های تاریخی که عمدتاً در بافت‌های مرکزی شهرها جای گرفته بودند، تلاش‌ها برای تخریب و بازسازی مجدد این بناها از جانب سودجویان جلوه‌ای تازه به خود گرفت. این موضوع به ویژه با افزایش ارزش مادی زمین و بالا رفتن منفعت اقتصادی تخریب، بازسازی و گاهاً تغییر کاربری شدت بیشتری یافت. مالکان خانه‌ها با شکایت به دیوان عدالت اداری کشور، اقدام به خارج کردن خانه‌ی ثبت شده خود از فهرست آثار ملی بر آمدند^{۱۴}. تا به امروز دیوان عدالت اداری رأی به خروج سی و پنج بنای تاریخی از فهرست آثار ملی داده است^{۱۵}. مطابق این رأی، بناهای مذکور دیگر جزو میراث فرهنگی ایران محسوب نمی‌شوند و مالکان آنها می‌توانند نسبت به تخریب و نوسازی آنها اقدام کنند. اوج این فعالیت‌های غیر فرهنگی در بافت سنتی شهر یزد صورت گرفت که طی آن خانه ابریشمی، خانه قلعه‌ای، عمارت نواب، عمارت کوشک و خانه‌های تاریخی در محله خلف باغ همگی تخریب و یا به دلیل عدم حفاظت در آستانه‌ی ویرانی قرار گرفته‌اند. خانه‌های تاریخی میخچی در رشت، پروین اعتصامی و امین السلطان که به نام خانه اتحادیه و دایمی جان ناپلئون نیز شناخته می‌شود در تهران از نمونه‌های دیگر تخریب خانه‌های تاریخی هستند که در آستانه تخریب قرار گرفته‌اند و خانه‌های تاریخی صداقت و زندنوبی در تهران نیز در زمره آخرین خانه‌های خروجی از فهرست آثار ملی بودند که در مردادماه سال ۱۳۹۰ با تخریب روبه‌رو شدند. در شهر تبریز نیز مالکان پنج خانه درخواست خروج ملکشان از فهرست آثار ملی را داده‌اند که خانه‌ی تاریخی نیکدل در محله مقصودیه که از نظر معماری ارزش بالایی دارد و جزو معدود خانه‌هایی است که در تزئینات آن از آئینه کاری استفاده شده است، از جمله آنهاست. خانه ظهرابی معروف به خانه گنجه‌ای‌زاده پسرعمو از جمله خانه‌های تاریخی در تبریز است که در سال ۱۳۸۹ تخریب گردید (تصاویر ۷ و ۸).



تصویر ۷. خانه ظهرابی (گنجه‌ای‌زاده پسرعمو) قبل از تخریب

تصویر ۸. خانه ظهرابی (گنجه‌ای‌زاده پسرعمو) پس از تخریب با رأی دیوان عدالت اداری (محمد بزازیان)

۷-۷- مرحله هفتم: حفاظت با رویکرد مقاوم سازی

سوق به سمت رویکرد مقاوم سازی در کنار مرمت و حفاظت خانه‌های تاریخی، پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر و عمدتاً با تغییر کاربری بنا مطرح می‌شود. بر اساس مباحث لرزه‌ای، بناها بسته به کاربری‌های شکل گرفته در آن از منظر ضریب اهمیت ساختمان در چهار دسته با ضریب اهمیت بسیار زیاد، زیاد، متوسط و کم درجه‌بندی می‌شوند. مطابق این درجه‌بندی خانه‌های مسکونی در دسته ساختمان‌ها با ضریب اهمیت

متوسط و فضاهای آموزشی به سبب اینکه افراد بیشتری زیر یک سقف قرار می‌گیرند و خرابی آن‌ها موجب تلفات زیاد می‌شود در دسته ساختمان‌ها با ضریب اهمیت زیاد قرار می‌گیرند. این موضوع لزوم توجه به مقاوم‌سازی و افزایش مقاومت در برابر بارهای جانبی را در بناهای قدیمی با مصالح بنایی که مقاومت کششی در آن‌ها ضعیف است، به ویژه در شرایط تغییر کاربری آشکار می‌سازد. از نمونه‌های نخستین آن می‌توان به مقاوم‌سازی سازه بنایی خانه‌های گنجه‌ای زاده، قدکی و بهنام با کلاف بندی‌های بتنی اشاره کرد که در پی تغییر کاربری خانه به دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز صورت گرفت. دیگر نمونه از همین مجموعه را می‌توان مقاوم‌سازی خانه صدقیانی با استفاده از سازه‌های اسکلتی با حفظ کالبد اصلی بنا دانست که با الحاق به مجموعه دانشکده معماری و شهرسازی از سال ۱۳۹۰ شروع شده است (تصویر ۹).



تصویر ۹. مقاوم‌سازی جبهه شرقی خانه صدقیانی با سازه اسکلت بتنی

۸- جمع بندی و نتیجه‌گیری

بحث حفاظت نوین در ایران، بر اساس اصول و معیارهای حفاظتی ذکر شده در منشورها و آیین‌نامه‌های جهانی، هم‌زمان با شکل‌گیری نهضت مشروطه آغاز و در دوره حکومت پهلوی شکل سازمانی و قانونی به خود گرفت. شکل‌گیری سازمانی حفاظت و آغاز ثبت بناهای تاریخی در قالب فهرست آثار ملی نیز از همین زمان و با الگو برداری از الگو واره‌های فکری موجود در غرب صورت گرفته و پس از آن اقدام به ثبت آثار با ارزش ملی شد؛ با این همه تمرکز اولیه برای ثبت بناها مبتنی بر ویژگی ملی شاخص بوده است و توجه چندانی به ثبت خانه‌های اصیل ایرانی در این فهرست نمی‌شد، علت این امر را می‌توان در مباحث قانونی و خواست‌های حاکمیت و همچنین عدم تغییر بنیادین در شیوه‌ها و اسلوب‌های زندگی مردمان زمانه جستجو کرد؛ آغاز به کار حفاظت از خانه‌های فرهنگی تاریخی از دهه ۴۰ شمسی با ثبت ملی تعدادی از خانه‌های تاریخی و هم‌زمان با پیدایش تغییر در شیوه زندگی مردم بود.

خانه‌های تاریخی تبریز در دوره قاجاریه، پهلوی و پس از جمهوری اسلامی دچار تغییر شده و دیگر از الگوی خانه‌های سنتی تبعیت نمی‌کردند. آنچه بر اساس مطالعات برای روند شکل‌گیری حفاظت از خانه‌های تاریخی در تبریز ذکر گردید در دوره قاجاریه ساخت خانه‌ها منطبق با شیوه‌های سنتی و با بهره‌گیری از الگوهای وارداتی از غرب بود که هم‌زمان با رشد سفرهای خارجی افراد روشنفکر و متمول جامعه اتفاق می‌افتاد. در این

دوره پلان خانه‌ها از پلان خانه‌های اوایل قاجار و دوره‌های قبل تر تبعیت می‌نمود ولی پوسته بیرونی و ظاهری بهره جسته از الگوها و نقش مایه‌های غربی شکل می‌گرفت؛ در دوره پهلوی نیز با ورود معماران دانش آموخته غربی و تعلیم معماران ایرانی توسط این افراد، خانه‌ها با الگویی کاملاً متفاوت از الگوهای قبلی ساخته و خانه‌های قدیمی نیز دستخوش تغییرات ظاهری متأثر از الگوهای مکاتب معماری روز شدند، در باب معماری و حفاظت شکل گرفته از خانه‌های تاریخی در دوره پهلوی به چهار مرحله شامل: الحاقات الگوهای غربی به شیوه، شکل و فرم سنتی، حفاظت بدون توجه به ساختار اصلی بنا، استفاده از عناصر خانه‌های شاخص در دیگر بناهای شاخص، آغاز ثبت و حفاظت نوین از آثار، اشاره گردید؛ دلایل و نمونه‌های استنادی هر یک از مراحل ذکر شد؛ با وجود شروع ثبت خانه‌های تاریخی در فهرست آثار ملی، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و شروع سازندگی بعد از جنگ، توجه به خانه‌های تاریخی فرهنگی را با وقفه ای ۲۰ ساله همراه ساخت؛ پس از انقلاب اسلامی و تغییرات اساسی شکل گرفته در ایدئولوژی حاکم بر جامعه، توجه به آثار تاریخی نیز از مبانی مباحث اسلامی و از جنبه انسان‌شناختی و عبرت از گذشته مدنظر قرار گرفت؛ بعد از پایان دوران سازندگی بود که روند حفاظت با تغییراتی همراه گردید؛ در خصوص دوران فکری حفاظت از خانه‌های تاریخی در دوران جمهوری اسلامی هفت مرحله دسته بندی ارائه گردید: سردرگمی در کاربری بخشی به بناهای حفاظت شده، حفاظت با رویکرد کاربری فرهنگی، حفاظت برای کاربری مسکونی، حفاظت با رویکرد کاربری اقتصادی، حفاظت درشت مقیاس شهری، خروج از فهرست آثار ملی ثبت شده و تخریب خانه‌های فرهنگی تاریخی و حفاظت با رویکرد مقاوم سازی؛ که هر یک از مبانی فکری رایج در زمان خود منتج می‌شدند.

الگو واره‌های نظری حفاظت و نگهداری از خانه‌های فرهنگی - تاریخی دوره قاجار تبریز

جدول ۳. مقایسه تطبیقی نگرش‌های موجود در زمینه حفاظت از خانه‌های تاریخی تبریز

ردیف	دوره تاریخی	رویکرد غالب معماری	نگرش حفاظتی	نمونه‌های انتخابی برای مطالعه
۱	قاجاریه	ساخت و ساز منطبق بر معماری سنتی ایران	حفاظت سنتی و آیینی	خانه نیلفروشان-مشروطه-حیدرزاده-سلماسی
		شکل‌گیری معماری التقاطی و کارت پستالی	حفاظت سنتی و آیینی	کاخ سردار ماکو- خانه‌های اردوبادی، امیرنظام، شکری، کلانتر، ساوجبلاغی
۲	پهلوی اول	شکل‌گیری معماری متأثر از مدرنیته	شکل‌گیری حفاظت سازمانی با تاسیس انجمن آثار ملی	عمارت شهرداری تبریز و کاخ شهربانی با تلفیق موتیف‌های ایرانی و آلمانی
		توجه به موتیف‌های ایران باستان در ساخت بناهای عمومی	تصویب قانون حفظ آثار و حذف دوره قاجاریه از شمول آثار ملی	علیرغم تخریب بسیاری از آثار دوره قاجاریه، برخی از خانه‌ها توسط مردم حفاظت شدند
۳	پهلوی دوم	تداوم غرب‌گرایی در معماری	مرمت خانه‌ها بدون توجه به ساختار اصلی بنا	خانه گوهریون-خانه صدقیانی-خانه قدکی
		شکل‌گیری بافت کهن شهری و مهاجرت افراد اصیل به خارج از آن- اعمال تغییرات در بناهای سنتی و آمیختن آن با معماری مدرن	استفاده از عناصر خانه‌های شاخص در ساخت بناهای جدید	استفاده از عناصرخانه‌های شیراز در کاخ نیاوران-استفاده از پنجره اورسی در موزه آذربایجان
			آغاز ثبت خانه‌های تاریخی و آغاز حفاظت نوین از آنها	خانه مارتا پیترز در اصفهان به عنوان اولین خانه ثبت آثار ملی
۴	دوره جمهوری اسلامی	شکل‌گیری معماری متأثر از مدرنیته	سردرگمی در کاربری بخشی به بناهای حفاظت شده	خانه امیرنظام-خانه شهریار
			رویکرد کاربری فرهنگی	خانه سلماسی - خانه صلح جو
			رویکرد کاربری اقتصادی	خانه حیدر زاده
		گرته برداری از معماری متأثر از مکاتب پست مدرنیسم	رویکرد کاربری مسکونی	خانه بلورچیان-خانه ختایی-خانه تصویر زاده
			حفاظت درشت مقیاس شهری	خانه بهنام- قدکی- گنجه ای زاده (در قالب دانشکده معماری)
			خروج از فهرست آثار ملی ثبت شده و تخریب	خانه گنجه ای زاده- خانه صداقت خانه نیکدل
			حفاظت با رویکرد مقاوم سازی	خانه صدقیانی-خانه حریری- مدرسه رشیدیه

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخ و مبانی شکل‌گیری حفاظت در ایران می‌توانید به کتاب "میراث فرهنگی در ایران - سیاست‌گذاری برای یک کشور اسلامی" نوشته مهدی حجت و همچنین کتاب "ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهر نشینی" نوشته صادق ملک شه‌میزادی و همچنین کتاب تاریخچه علم باستان‌شناسی غلامرضا معصومی مراجعه نمایید.
۲. اولین خانه ایرانی ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران، خانه مارتاپیترز در اصفهان است که در ۲۹ شهریور سال ۱۳۵۳ با شماره ثبت ۹۹۰ به ثبت رسیده است.
۳. آمارهای ارائه شده در این بخش از کتاب آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی (از ۲۴/۰۶/۱۳۱۰ تا ۲۴/۰۶/۱۳۸۴) استخراج شده است که به اهتمام عبدالکریم شادمهر و ناصر پازوکی در سال ۱۳۸۵ توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری چاپ شده است.
۴. اطلاعات این بخش از طرح پژوهشی نگارندگان با عنوان مطالعه درخانه‌های تاریخی تبریز برای رهیافت الگوی حفاظت خانه‌های تاریخی تبریز مطالعه موردی: خانه تاریخی صدقیانی است که برای مرکز تحقیقات بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه هنر اسلامی تبریز کار شده است.
۵. در کتاب خانه‌های قدیمی تبریز نوشته محمدعلی کی نژاد و محمدرضا شیرازی خانه بهنام در دسته‌بندی خانه‌های دوره زندیه قرار گرفته است، ولی هیچ سند و مدرکی یا حتی استدلال‌های علمی برای اثبات این فرضیه از طرف نویسندگان ارائه نمی‌گردد.
۶. به نظر می‌رسد این الگو تأثیر شدید از نماسازی‌های داشت که در جداره‌های خیابان‌های جدیدالاحداث همچون خیابان فردوسی - تربیت و امام خمینی (پهلوی سابق) وجود داشتند.
۷. اورسی‌های موجود در موزه آذربایجان متعلق به خانه‌ای بنام اردبیلی‌ها هست که این خانه در دهه ۳۰ شمسی تخریب شده است.
۸. اورسی‌های استفاده شده در خانه بهنام دارای دو لایه تاریخی و جدید است که لایه اصلی و درونی با نقوش و گره‌های هندسی متعلق به خانه ظهرایی (گنجه‌ای زاده پسرعمو) است و لایه جدید و بیرونی با نقوش اسلیمی توسط استاد اصغر قهرمانی ساخته شده است.
۹. تنها خانه ثبت شده پیش از انقلاب خانه میرزا مهدی کوزه‌کنانی مشهور به خانه مشروطه با شماره ۱۱۷۱ است.
۱۰. اطلاعات این بخش از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی گرفته شده است.
۱۱. خانه _ موزه اصطلاحاً به خانه‌های گفته می‌شود که کاربری خاصی داده نشده باشد برای مثال می‌توان به خانه طباطبایی‌ها، عباسیان و بروجردی‌ها اشاره نمود در این شیوه‌نمایی به توان‌بخشی و تغییرات کالبدی در خانه تاریخی نیست.
۱۲. این خانه‌ها، خانه‌های بهنام، قدکی و گنجه‌ای زاده هستند.
۱۳. به استناد بند "ز" ماده ۱۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - اساسنامه مصوب هیأت وزیران، این طرح اقدام به معرفی ابنیه فرهنگی - تاریخی قابل احیاء در محورهای گردشگری کشور می‌نمود.
۱۴. نمونه‌ای از احکام صادره از طرف دیوان عدالت اداری در وب سایت رسمی دیوان عدالت اداری قابل رویت است:
<http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=2999>
<http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=2077>
۱۵. این مطلب را آقای امید غنمی در مصاحبه‌ای با وب سایت رسمی سازمان میراث فرهنگی اعلام کرده است:
<http://rct.ir/Default.aspx?tabid=66&articleType=ArticleView&articleId=1175>

منابع

- اسمعیلی سنگری حسین - عمرانی بهروز (۱۳۹۳)، تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم، انتشارات فروزش، تبریز، چاپ اول
- برنارد اورکاد - شهریار عدل (۱۳۷۵)، تهران پایتخت دوپست ساله، مترجم ابواحسن سروقد مقدم، احمد سیدی، فاطمه وثوقی خزائی، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران
- پاکدامن بهروز (۱۳۶۲)، یادنامه وارطان هوانسیان-پیدایش معماری مدرن در ایران، تهران، جامعه مشاوران ایران، پازوکی ناصر-عبدالکریم شادمهر، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی (از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- پیرنیا عبدالکریم (۱۳۷۴)، معماری اسلامی ایران، تقریر غلامحسین معاریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران
- جیبی سید محسن (۱۳۷۸)، از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم
- حجت مهدی (۱۳۸۰)، میراث فرهنگی در ایران، سیاستها برای یک کشور اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، تهران
- خجسته حسن (۱۳۷۶)، تأثیر معماری مسکونی بر سنتها-مطالعه موردی: هویزه، تهران، انتشارات سروش
- رفیعی سرشکی بیژن-رفیع زاده ندا-رنجبر کرمانی علی محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ مهرازی (معماری) ایران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی، تهران
- شادمهر عبدالکریم - پازوکی طرودی ناصر (۱۳۸۵)، آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی (از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران
- صمدی یونس (۱۳۸۲)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین المللی (جلد ۱ و ۲)، اداره کل آموزش-انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور-سازمان میراث فرهنگی، تهران، چاپ اول
- کیانی مصطفی (۱۳۸۳)، معماری دوره پهلوی اول-دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۲۹۹ الی ۱۳۲۰، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- کی نژاد محمد علی-شیرازی محمدرضا (۱۳۸۹)، خانه‌های قدیمی تبریز-جلد اول، انتشارات فرهنگستان هنر و دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تهران، چاپ اول
- علی آبادی محمد (۱۳۸۲)، مرمت گل یا احیای دل، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۹۷ الی ۱۰۷
- فیلدن، برنارد-یوکا یوکیلتو (۱۳۸۶)، راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه پیروز حناچی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول، تهران
- قرلباش محمدرضا-فرهاد ابوالضیاء (۱۳۶۴)، الفبای کالبد خانه سنتی یزد، وزارت برنامه بودجه، معاونت فنی، دفتر تحقیقات و معیارهای فنی، تهران

- لمبتون آ.ک.س.(۱۳۷۵)، ایران در عصر قاجار: ترجمه و گفتاری در باب ایرانشناسی، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد، انتشارات جاودان خرد
- مهران محمود(۱۳۵۵)، کارنامه دهسال خدمت سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران وابسته به وزارت فرهنگ و هنر، انتشارات سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی، چاپ اول، تهران
- محبعلی محمد حسن-محمد مرادی-آتوسا امیر کبیریان(۱۳۷۵)، دوازده درس مرمت، انتشارات وزارت مسکن و شهر سازی، تهران
- مرادی اصغر محمد(۱۳۸۲)، روند حفاظت در ایران از تاسیس اداره عتقات تا قبل از جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه هفت شهر، ش.۱۱
- مصطفوی محمد تقی(۱۳۵۱)، ابنیه آثار تاریخی ایران و معماری امروز آن، مجله هنر و معماری، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۴۶-۴۲
- معصومی غلامرضا(۱۳۸۹)، تاریخچه علم باستان شناسی، انتشارات سمت، تهران، چاپ چهارم
- ملک شه‌میزادی صادق(۱۳۸۲)، ایران در پیشاز تاریخ-باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهر نشینی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، چاپ دوم
- مهدوی نژاد محمد جواد-فرهاد تهرانی-علی کرم(۱۳۸۹)، بازشناسی هوشمندی در سازمان فضایی خانه های سنتی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۲۰۵ الی ۲۱۸
- نژاد ابراهیمی احد(۱۳۹۳)، حصار نجفقلی خان و شکل گیری و توسعه تبریز در عهد قاجار، فصلنامه پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای تاریخ و تاریخ نگاری بررسی های نوین تاریخی، دوره جدید، سال اول، شماره اول، صص ۱۰۷ الی ۱۲۱
- یوکیلتو یوکا(۱۳۸۷)، تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمد حسن طالبیان، خشیار بهاری، انتشارت روزنه- میراث فرهنگی و گردشگری-بنیاد پارسه، تهران
- یوکیلتو یوکا(۱۳۷۷)، استانداردها، اصول و منشورهای بین المللی حفاظت، ترجمه سوسن چراغچی، فصلنامه علمی، فرهنگی و هنر اثر، شماره ۳۰-۲۹، صص ۱۳۵-۱۲۱

Feiden Bernard m.(2003); conservation historic biulding; architectural prees; third edition; ISBN: 0-7506-5863-0

Grieken, R. van; Janssens, Koen H. A(2005); Cultural Heritage Conservation and Environmental Impact Assessment By Non-destructive Testing and Micro-analysis; Taylor & Francis Routledge

Michael Forsyth(2006), Understanding Historic Building Conservation: Understanding Conservation v. 1 (Historic Building Conservation), publish by Blackwell

<http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=2999>

<http://www.divan-edalat.ir/show.php?page=ahoshow&id=2077>

<http://rct.ir/Default.aspx?tabid=66&articleType=ArticleView&articleId=1175>